اگر جدی گرفته می‌شد...

توصیه های مقام معظّم رهبری به دولت‌ها در هفته دولت

دولت پنجم و ششم
علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی

دیدار اول (۱۳۶۸/۰۶/۰۸)

۱. برخی گمان نبرند که گشودن گره‌های امور ملت، به معنای دوری از معنویات و آرمانـــهاست.

۲. گشودن گره های مردم و باز کردن راه به سمت یک زندگی مرفه و سالم و خوب، که مردم از فراوانی و ارزانی و دیگر امکانات استفاده کنند، یک وظیفه‌ی اسلامی است.

۳. قشـــرهای مظلوم و دورافتاده از مرکز و روستاییان و عشایر و کسانی‌که مشکلات بیشتری دارند، قطعاً باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرند.

دیدار دوم (۱۳۶۹/۰۶/۰۱)

۱. ثروت و همت و مدیریت و امکانات مادّی و معنوی کشور، در جهت از خاک بر کشیدن آن قشرهای محروم و مظلوم برود.

دیدار سوم (۱۳۷۰/۰۶/۰۳)

۱. اگر یک مدیر عالی وقتش را تقسیم بکند، شاید بشود گفت که باید نیمی از وقتش را صرف نظارت بر دستگاه خودش بکند.

۲. همه‌جا حاضر باشید و با همه‌ی تخلفها در زیرمجموعه تان، با حساسیت برخورد کنید.

۳. سـعی بشود درباره‌ی این گزینش، زیاد دقت بشود. در سطوح بالا، آن نیروی مؤمن و بااخلاص را جستجو بکنید.

۴. کارهای مربوط به طبقات محروم و مستضعفان جامعه – که تعدادشان هم زیاد است – حقاً و انصافاً یک حرکت اساسی را می‌طلبد.

۵. کارهایی را که بناست انجام بشود، هرچه ممکن است، نگویید؛ مگر آنهایی را که مسلماً انجام خواهد گرفت. اما کارهایی را که انجام می گیرد، خوب است که به مردم بگویید، تا مردم امیدوار شوند.

۶. اگر بعضی از بخشها را تشخیص دادید که از اهمیت فوق‌العاده‌یی برخوردارند، برای مدت معینی یک اولویت ویژه برای آنها قرار بدهید. مثلاً بخش کشاورزی.

دیدار چهارم (۱۳۷۲/۰۶/۰۳)

۱. آنهایی که تعیین کننده‌اند، راه را مشـخّص می کنند و بخصوص، در سطوح بالای مدیریّت و نیز کارشناسیهایی که خط دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیه انقلابی و اسلامی عمیق.

۲. نگاه به مناطق محروم و طبقات مستضعف کشور و آن مناطقی که مورد بی‌مهری دستگاههای طاغوتی در گذشته قرار گرفته‌اند؛ این از جمله کارهای بسیار لازم و واجب است.

۳. تأکیداً عرض می کنیم؛ همکاری با قوای دیگر – قوّه قضاییّه و قوّه مقنّنه – هم مسأله بسیار اساسی و مهمی است.

دیدار پنجم (۱۳۷۴/۰۶/۰۸)

۱. برنامه دوم بحمدالله خوب انجام شد و حالا هم با خوبی پیش می‌رود. در برنامه‌ریزی‌های بعدی مسأله برطرف کردن فقر و محرومیت از کشور را در درجه اول قرار دهید.

۲. تا آن جا که می‌توانید به نیروهای داخلی تکیه کنید.

دیدار ششم (۱۳۷۵/۰۶/۰۸)

۱. در زمینه‌های فرهنگی هم کار شده است؛ اگر چه نه به اندازه کارهای زیر بنایی اقتصادی.

۲. باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودیِ این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حدّ اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، در تمام مسئولان تقویت شود.

۳. بایستی در دستگاههای مختلف دولت، توجّه دقیقی شود که جلوِ استفاده‌های غیر منطقی و غیرصحیحِ منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود.

۴. تمتّع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نبایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیادتر شود و عدّه‌ای آن طور زندگی کنند.

۵. همین ارزش پول ملی، کلید حلّ بسیاری از مشکلات کشور است و این ضعف قدرت خرید در طبقات پایین مردم و عدم توانایی آنها بر تأمین نیازهای زندگیشان، ناشی از این قضیه است، که ان‌شاءالله باید تلاش مضاعفی برای اینها انجام گیرد.

دیدار هفتم (۱۳۷۶/۰۵/۰۹)

۱. من نمی‌خواهم بگویم که همه آرزوهای ما برآورده شده است؛ از قبیل مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و مسائل مربوط به قشرهای گوناگون، کارهای زیادی وجود دارد که ان‌شاءالله دولت‌های بعدی آنها را انجام خواهند داد.

دولت هفتم و هشتم
محمد خاتمی

دیدار اول (۱۳۷۶/۰۶/۰۲)

۱. به مسؤولان توصیه می کنم که کار شتابزده انجام ندهند.

۲. گیرم که چند صباحی، ما در فلان سیاسـتی که اعمال کردیم و فلان کاری که اجرا نمودیم، چهار نفر از گروه‌های خاص یا گروه‌های پولی و مالی را هم از خودمان راضی کردیم؛ اما اگر خدای ناکرده با این کار، مردم را ناراضی کرده باشیم، این نارضایی مردم مثل توفانی می‌آید و همه اینها را در می‌نوردد.

۳. مواظب باشید کسانی که می‌خواهند از قانون بگریزند، شما را به این دام نیندازند؛ نیایند شما را قانع کنند که این کار قانونی است.

دیدار دوم (۱۳۷۷/۰۶/۰۲)

۱. مردم را در جریان کارها قرار دهید. وعده‌هایی که عمل می‌شود، به مردم گفته شود. از قدم‌هایی که در جهت هدفها برمی‌دارید، مردم مطّلع شوند.

۲. توجّه به اشتغال جوانان و جهتگیریِ فکری و روحی و فرهنگی آنان، خیلی مهم است.

دیدار سوم (۱۳۷۸/۰۶/۰۲)

۱. تلاش بخشها نباید جداگانه به کلیّت و جنبه فرابخشی دولت صدمه‌ای بزند؛ عمده مسؤولیت هم در آن قسمتهای ستادی دولت است که عبارت باشد از سازمان برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و بخشهای ستادی که عمدتاً هم در شخص رئیس جمهور متمرکز است.

۲. اولویّتها، مسأله اشتغال، مسأله ارزش پولی ملی، مسأله متوقّف کردن تورّم و یا کاهش آن در حدّ ممکن، مسأله رکود اقتصادی و فعّال کردن کشور است.

۳. الان ملاحظه کنید مسأله قتل‌ها [قتل های زنجیره ای]، مسأله عمده کشور شد. آیا واقعاً مسأله عمده کشور، این چند فقره قتلی است که اتّفاق افتاد؟! ما وزارت اطلاعاتی داریم، دستگاه‌های دیگری داریم؛ مسـؤولانی داریم؛ اینها می‌نشینند حل می کنند. این گونه نمی‌شود کار را با موفّقیت ادامه داد. من گمان نمی کنم اگر کسی نگاه عادّی به زندگی مردم بکند، تردیدی به وجود بیاید که مسأله اصلی کدام است.

۴. حقیقتاً الان خطر مهاجرت زیاد است. این مهاجرت، بقیه مشکلات را به دنبال خود می‌آورد. وضع روستاها، وضع بدی است. به نظر من باید به روستاها و معضلات مردم خیلی توجّه شود.

۵. یکی از چیزهایی که من می‌خواهم جدّاً به آقایان توصیه کنم، این است که به نقاط محروم بروید و با مردم به طور روبه‌رو تماس بگیرید.

۶. من وظیفه‌ام است که از شخص جناب آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور محترم و دولت به صورت کلّی دفاع کنم اما این به معنای آن نیست که دولت نباید در درون خود به نقد عملکرد خودش بپردازد. یک مقدار باید به نقدِ عملکردها بپردازید. برادران عزیز! دو سال گذشت.

۷. انسجام دولت و نظام در سطح عالی حفظ شود. تقسیم کردن و تجزیه کردن در سطوح عالی نظام، به ضرر نظام تمام خواهد شد؛ به سود هیچ کس تمام نمی‌شود؛ البته به سود دشمن تمام می‌شود.

دیدار چهارم (۱۳۸۰/۰۶/۰۵)

۱. دولت را، دولت کار و عمل قرار دهید.

۲. عناصر نزدیک به خودتان را – که در واقع دستها و بازوهای شما هستند – از آدمهایی انتخاب کنید که کار را بشناسند.

۳. به مدیرانتان نگاه کنید و تیمتان را زیر نظر داشته باشید. یکی خسته شده، یکی کار را بلد نیست، از یکی گاهی اشکالات بزرگی سر می‌زند، یکی خوب است اما برای این مرحله خوب نیست، فوراً تیم را عوض کنید. البته همیشه ذخیره داشته باشید.

۴. آقای خاتمی چیزی را برای فلان جا پی‌نوشت کرده‌اند که چرا فلان کار نشده است، دو ماه گذشته، اما ترتیب اثر داده نشده است. ایشان باید پیگیری کنند که چرا نشد.

۵. از مجموعه مدیران ارشدتان گزارش بخواهید و به گزارشها صددرصد اعتماد نکنید. دستگاه بازرسی شما باید همیشه مراقب باشد. دستگاه بازرسی را از نزدیکترینها انتخاب کنید.

۶. کاری کنید که وقتی دوره چهار ساله دولت دوم آقای خاتمی تمام شد، دولت بیاید بگوید که من نسبت اشتغال را از این مقدار به این مقدار آورده‌ام؛ مثلاً نسبت بیکاری را از سیزده درصد به شش درصد آورده‌ام.

۷. واقعاً نوسازی صنعت کشور را جدّی بگیرید.

۸. وصل کردن دانشـگاه و صنعت کشـور به یکدیگر؛ که این کار جز در دفتر رئیس جمهوری، در جای دیگر امکانپذیر نیست و من خواهش می‌کنم که این کار را هر چه زودتر انجام دهید.

۹. خودکفایی در کشاورزی؛ الان کشور برای این کار آماده است. باید همّت کنید.

۱۰. زمان پروژه‌ها، بسیار طولانی است.

۱۱. اهتمام اصلی دولت در همه سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد؛ با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می کنیم.

۱۲. از جمله چیزهایی که روند حرکت به سـمت عدالت را در جامعه کُند می کند، نمود اشـرافیگری در مسؤولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید.

۱۳. در همین چند ماه قبل دو گزارش جداگانه از بوشهر و اصفهان به من رسید که به معنای حقیقیِ کلمه خواب را از چشم من ربود. هر دو هم مربوط به دستگاههای دولتی بود؛ مظهر فاصله و درّه بین وضع زندگی قشرهای فقیر و قشرهای دولتی.

۱۴. این جمله امیرالمؤمنین معروف است که فرمود: «انّ عملک لیس لک بطعمة»؛ این طعمه‌ای نیست که تو به دست آورده باشی و بخواهی از آن، لقمه‌ی چربی بزنی؛ «ولکنّه فی عنقک امانه»؛ این یک امانت و مسؤولیت بر دوش شماست.

۱۵. از فرصتهای شغلی نباید استفاده‌ی شخصی شود. نباید ریخت و پاش صورت گیرد.

۱۶. این نامه هشت مادّه‌ای که من به آقایان رؤسای سه قوه نوشته‌ام، جدّی است. ما گذاشته‌ایم آقایان اقدام کنند؛ اما اگر اقدام نکنند، بنده خودم وارد میدان می‌شوم و اقدام می‌کنم؛ بعد هم اینها می‌آیند گله می‌کنند، اما گله‌شان به جایی نخواهد رسید.

۱۷. در بعضی از این شـرکت‌های وابسته تخلفاتی صورت می‌گیرد؛ مثل خریدهای کلان، بدون توجیه اقتصادی؛ احداث ساختمان، حتّی همراه با تخلّف؛ سرمایه‌گذاری، بدون توجیه اقتصادی؛ سفرها و مأموریتهای خارج، بدون توجیه واقعی و بدون تخصّص، توزیع امکانات، غیرعادلانه و بدون توجیه.

۱۸. اسـتخدام‌های بی‌ضابطه وابسـتگان و تنظیم اسـناد صوری را هم به ما گزارش کرده‌اند. دفتر ارتباط مردمی ما این اسناد را به وزارت اطلاعات فرستاد؛ جوابیه وزارت اطلاعات را هم برای من فرسـتادند. آنها در همه موارد اسـناد را تصدیق کردند. باید برخورد شود.

۱۹. گاهی هزینه‌ها، هزینه‌های درستی است؛ اما اولویّت‌دار نیست.

۲۰. یکی از چیزهایی که واقعاً اولویّت ندارد، برگزاری بعضی از سمیناراهاست. امسال به نظرم ایران رکورد سمینار را شکست!

۲۱. بعضی اشخاص کارهای زیادی می کنند، اما اصلاً توجیه ندارند. بامزه این است که بعد هم در موضع معترض و اپوزوسیون می‌نشینند! به جای این که ما برویم بگوییم آقا شما بعد از سیزده، چهارده سال چرا محصول کارتان این است، او طلبکار است که به من کمک نکردند! این حرف معنا ندارد. جایی داشته باشید برای این که این معنا را سؤال و مشخص کنند، که ببینیم چرا این گونه حرف می‌زنند.

۲۲. من خواهش می‌کنم که سـازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی، با دیوان محاسبات جفت شوند.

۲۳. آدم‌های مسأله‌دار جنجالیِ وابسته به فلان جناح و فلان حزب را نیاورید. دولت نباید به جایی تبدیل شود که احزاب می‌خواهند دیدگاه‌ها و گرایش‌های خودشان را در آن جا رسمی و پرچمش را بلند کنند. این درست نیست؛ نتیجه‌اش این خواهد شد که از کار می‌مانید و آن وظیفه‌ای که بر عهده شماست، به بار نخواهد نشست.

۲۴. به نظر من آقایانِ وزرا هم نباید وقت خود را در کارهای حزبی صرف کنند. اگر شما همّت و نشاط حرف زدن و فکر کردنتان را جای دیگری صرف کردید در حقیقت وقت وزارتخانه را غصب کرده‌اید این فعلِ حرام است.

۲۵. هیچ تحرّکی در خارج از کشور – تحرّک عمرانی، اقتصادی، معامله و ... – نباید از پشتوانه بودن برای سیاست خارجی ما منفک شود؛ باید در جهت سیاست خارجی و در خدمت آن باشد.

۲۶. اگر بخش‌های اقتصادی دولت، معاش مردم را تأمین کردند، مردم متدیّن خواهند شد.

۲۷. مسأله استقرار معنویّت و جلوگیری از مظاهر فساد یا شیوع فساد یا شیوع بی‌دینی و بخصوص تظاهر به این معنا، جزو کارهای واجب است.

۲۸. مسأله اشتغال را هر چه ممکن است جدّی بگیرید.

دیدار پنجم (۱۳۸۱/۰۶/۰۴)

۱. شما مسؤولان دولت هم که بخشهای گوناگون در اختیارتان است، از انتقاد نه بترسید، نه خشمگین و ناامید شوید.

۲. تصوّر من این است که امروز چیزی که در کشور ما از هر طرف نگاه می کنیم، مورد نیاز است، مضاعف کردن و بهینه کردن تلاشهاست.

۳. شما زحمت می کشید، کوشش می کنید، ساعات زیادی وقت می گذارید و کار را دنبال می کنید. باید دید آن‌جایی که ناهماهنگی بین بخشهای مختلف وجود دارد، کجاست؛ آن‌جایی که سیاستِ بخشی یک قسـمت، اقدام یا سیاسـت بخش دیگر را کُند و یا احیاناً خنثی می کند، کجاسـت. انسان چنین مواردی را مشاهده می کند.

۴. هنر یک مدیر این است که مسؤولیت‌پذیری داشته باشد. بر مبنای یک پایه منطقی، کار را انجام دهید و مسؤولیتش را هم به گردن بگیرید؛ بگویید این کار را کردم، مسؤولیتش هم با من است.

۵. اگر از طرف شما دستوری صادر می‌شود، اگر باید اقدامی صورت گیرد، اگر باید مصوّبه‌ای اجرا شود، نباید بگذارید شما را از پیشرفت آن بی‌خبر بگذارند؛ یعنی باید دائم سؤال و پیگیری کنید.

۶. باز می‌خواهم مجدّداً تکرار کنم که مسأله مبارزه با فساد را جدّی بگیرید.

۷. معتقدم مبارزه با فساد، در درجه اوّل کار خود دولت است. بخش قضا مربوط به مرحله آخرِ کار است.

۸. حضور دشمن را در پشت پرده فرهنگ و سیاست جدّی بگیرید.

۹. صرف این‌که ما بگوییم موانعی در کار هسـت، مردم را قانع نمی‌کند و آنها نمی‌پذیرند. اگر واقعاً موانعی وجود دارد و کسانی هستند و جریانی موجود است که نمی‌گذارد شما کار کنید، این را شفّاف و صریح به مردم بگویید.

دیدار ششم (۱۳۸۲/۰۶/۰۵)

۱. گله‌ای هم من دارم که این تلاشها آن‌چنان که شایسته است منعکس نمی‌شود. چون حجم و کیفیّت کارها واقعاً بالاست، برایش فکری بکنید.

۲. در مجموع وقتی به صحنه سیاسی کشور نگاه می کنم، می‌بینم مجادلات بی‌مورد وجود دارد. این مجادلات، فضای سیاسی کشور را زهرآگین می کند و تنفّس در آن، مردم را از لحاظ روحی افسرده و بیمار می‌سازد.

۳. باید دولت سینه سپر کند و به میدان بیاید و مبارزه با مفاسد اقتصادی را به‌جد بخواهد.

۴. مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است.

۵. عدّه‌ای هر مشکلِ موجود در کشور را به نظام نسبت دهند، که این الان وجود دارد اگر تبعیض و فقر هست و اگر مشکل خارجی پیدا می کنیم، قواره نظام اسلامی و قانون اساسی را زیر سؤال می‌برند! این غلط است.

۶. موضوع دیگر، احساس تنعّم و زندگی مرفّه مسؤولان است. من از این بابت من واقعاً رنج می‌برم.

۷. توصیه می کنم سعی کنید مردم را به آینده نظام و بهبودِ وضعیت خودشان امیدوار و به دلسوزی خودتان هم نسبت به آنها مطمئن کنید.

۸. صرفه‌جویی باید یک اصل در دولت به حساب آید.

۹. این همه تولید داخلی داریم؛ چینی، بلور و کارهای چوبیِ به این خوبی داریم، که باز آقایان و بخصوص این شرکتها از خارج می‌آورند.

دیدار هفتم (۱۳۸۳/۰۶/۰۴)

۱. باید هم کارهای کرده‌ی خودمان و هم کارهای نکرده‌ی خودمان، یا درست نکرده‌ی خودمان را با صداقت با مردم در میان بگذاریم.

۲. یکی از اولویت‌ها در این مدت یک سال عمر این مجموعه‌ی دولت، این است که اهتمام کنید به اتمام کارهایی که شروع کرده‌اید.

۳. فساد مالی و رخنه‌های اخلاقی‌یی در مجموعه‌ی دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. باید با اینها مبارزه و مقابله کنید.

۴. بخش تعاونی را تقویت کنیم، اموال دولت و دارایی‌ها و موجودی‌های دولت را برای رعایت مصلحت عموم حفظ کنیم و مواظب باشیم که اموال دولت و دارایی‌های دولت در زیر قالب خصوصی سازی از بین نرود.

۵. سعی کنیم ثبات سیاسی در کشور و در سیاستهای کلی کشور دچار التهاب نشود.

دولت نهم و دهم
محمود احمدی نژاد

دیدار اول (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)

۱. وظیفه‌ی حتمیِ دیگرِ دولت اسلامی، گسترش علم و دانایی و گسترش آزاداندیشی است.

۲. مبارزه‌ی با فساد، یکی دیگر از وظایف بسیار مهم است.

۳. نکته‌ی بعد، تأمین عزت ملی است مبارزه‌ی با نظام سلطه یکی از وظایف دولت اسلامی است.

۴. این که ادبیات دینی تقویت شود، من با آن هیچ مخالفتی ندارم؛ ولی باید مابازا داشته باشد. بیش از آنچه در رفتارمان اسلامی عمل می کنیم، در زبان و اظهار و تظاهراتمان نخواهیم خود را جلوه دهیم.

۵. اولین گام در تحول این است که رفتار خودمان اسلامی باشد.

۶. این هم که بگویند شما متحجرید و طالبانی عمل می کنید، به این حرفها خیلی گوشتان بدهکار نباشد؛ از این حرفها همیشه هست و گفته‌اند و می گویند.

۷. هم در برابر خطایی که انجام می گیرد، واقعاً پاسخگو باشید؛ هم در برابر کار لازمی که باید انجام می گرفته و انجام نمی گیرد، پاسخگو باشید.

۸. وزرای محترم خارجه‌ای که اسـم آوردم [دکتر ولایتی و دکتر خرازی]، مکرر گفته‌اند که گاهی اوقات مسؤولان بخش‌های اقتصادی در خارج معامله‌یی می کنند که سفیر و وزارت خارجه‌ی ما اصلاً از آن خبر ندارد. این گونه کارها ناهماهنگی است.

دیدار دوم (۱۳۸۵/۰۶/۰۶)

۱. امروز کشور ما بیش از هر چیز دیگر، تشنه‌ی عدالت اقتصادی است.

۲. «سـلامت اعتقادی و اخلاقیِ مسئولان کشور» – بخصوص مسئولان عالی‌رتبه، در سطوح دولت و معاونین و از این قبیل – بسیار مهم است.

۳. «تواضع و نغلتیدن در گرداب غرور» هم یکی از شاخصه‌هایی است که لازمه‌ی اصولگرایی است؛ ما در معرض این هستیم.

۴. «خردگرایی و تدبیر و حکمت در تصمیم‌گیری و عمل»، این جزو مسـائلی اسـت که حتماً به آن احتیاج دارید.

۵. «مسـئولیت‌پذیری و پاسخگویی»؛ در هر بخشی که ما هستیم، مسئولیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، را بپذیریم.

۶. حلم یعنی ظرفیت و تحمل صدای مخالف را داشتن. البته این به معنای آن نیست که دولت از عملکرد خودش دفاع نکند؛ نه، حتماً بایستی دفاع کند.